

## حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوهای از حقوق شهروندی

امیرحسین نیاز پور \*

چکیده:

حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری یکی از جلوه‌های بنیادین حقوق شهروندی به شمار می‌رود. بهره‌مندی متهمان از داشتن وکیل گزینشی و رایگان در همه مرحله‌های فرایند کیفری از جمله سبب کاهش جنبه تفتیشی فرایند کیفری و سپری شدن دقیق و درست‌ترین مرحله‌ها می‌شود. به همین دلیل، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی فراملی از رهگذر شماری از اسناد الزام‌آور و ارشادی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای و سیاست‌گذاران جنائی ایران در پرتو مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی این حق را برای متهمان به رسمیت شناخته‌اند. با وجود این، حق یادشده در دو گستره فراملی و ملی با چالش‌های متعددی روبه‌روست. در این نوشتار، جایگاه و سازوکارهای حمایت از این حق بررسی شده است.

واژگان کلیدی:

حقوق شهروندی، متهمان شهروند، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری، وکیل گزینشی، وکیل رایگان، دادرسی عادلانه.

\* دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

## درآمد

اندیشه شهروندی که برای نخستین بار با «روی کردی تفاوت‌گذار» در دولت - شهرهای یونان باستان برای کوچک شمردن سایر قومیت‌ها مطرح شد [۲۵:۱۷]، امروزه تحت تأثیر «روی کرد انسان‌مدار» به مجموعه‌ای از حق‌ها و تکلیف‌های مردم در رابطه خود با دولت تعبیر می‌شود. بدین سان، شهروندی رابطه‌ای دوسویه است که در پرتو آن شهروندان از یک سو دارای حق‌های سیاسی، اجتماعی، قضائی و... اند و از سوی دیگر، تکلیف‌هایی را در برابر دولت بر عهده دارند [۲۲۱:۲]. بنا بر این، حقوق شهروندی - به منزله یکی از جنبه‌های این رابطه - شامل توانایی‌ها و امتیازهایی است که از رهگذر مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی<sup>۱</sup> برای مردمان به رسمیت شناخته می‌شود.

حقوق شهروندی در گستره قضائی جلوه‌های متعددی دارد که یکی از بارزترین آنها «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری» است [۱۶۳:۱۹]. بر اساس این حق، متهمان می‌توانند در سراسر فرایند کیفری از حضور وکیل در کنار خود استفاده کنند، به گونه‌ای که در صورت ناتوانی مالی آنان، دولت مکلف است امکانات حضور وکیل رایگان را برای متهمان فراهم کند [۶۶:۱۸]. حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری بنیان‌های متعددی دارد. برای نمونه، این حق از نظر فلسفی بر «آموزه‌های عدالت

### 1. Supra Legislative, Legislative and infralegislative

اگر معیار تقسیم‌بندی قوانین و مقررات درجه آنها باشد در این صورت می‌توان قوانین و مقررات را به سه گونه مقررات فرا تقنینی (قانون اساسی)، مقررات تقنینی (قوانین عادی) و مقررات فروتقنینی (آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها) دسته‌بندی کرد. بنابراین، از یک سو قانون اساسی - که با تشریفات ویژه‌ای تدوین و بازنگری می‌شود - فراتر از قوانین و سایر مقررات قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که نویسندگان قوانین عادی ملزم به رعایت اصول مندرج در این قانون هستند و از سوی دیگر آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها که معمولاً در شماری از موارد به منظور اجراء قوانین تدوین می‌شوند، فروتر از قانون اساسی و قوانین عادی جای می‌گیرند.

طبیعی»<sup>۲</sup> و از حیث جرم‌شناختی بر «آموزه‌های جرم‌شناسی بازپرورانه»<sup>۳</sup> مبتنی است. از این‌رو، متهمان در پرتو آموزه‌های فلسفی برای بهره‌مندی از دادرسی عادلانه باید بتوانند در همهٔ مرحله‌های فرایند کیفری وکیل داشته باشند. براساس آموزه‌های جرم‌شناختی، حضور وکیل - به‌منزلهٔ یکی از ابزارهای عدالت کیفری - در کنار متهمان سبب آموزش هنجارهای تقنینی و ارزش‌های اجتماعی به بزه‌کاران و در نتیجه اصلاح و تربیت آنان می‌شود [۲۲:۱۲]. حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل از بارزترین جلوه‌های دادرسی عادلانه و حقوق دفاعی به‌شمار می‌رود [۳۰:۱۷]. زیرا، حضور وکیل در فرایند کیفری سبب کاسته‌شدن از اشتباه‌های قضائی و افزایش دست‌رسی به عدالت می‌شود [۳:۱۴۳]. به همین دلیل، سیاست‌گذاران جنائی فراملی این حق را از رهگذر اسناد الزام‌آور و ارشادی به‌منزلهٔ یکی از هنجارهای حقوق بشری مورد شناسایی قرار داده‌اند. افزون بر این، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی فراملی با پیش‌بینی سازوکارهای غیرقراردادی و قراردادی و با روی‌کردی غیرقضائی و قضائی در صدد نظارت بر عمل‌کرد دولت در زمینهٔ اجراء درست و دقیق جلوه‌های حقوق شهروندی از جمله حق یادشده برآمده‌اند. بدین ترتیب، اسناد فراملی دولت‌ها را به شناسایی و حمایت از حق متهمان مبنی برداشتن وکیل در فرایند کیفری الزام یا راهنمایی کرده‌اند.

از این‌رو، سیاست‌گذاران ایران این حق را در مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی مورد توجه و حمایت قرار داده‌اند. با وجود این، حق یادشده در دو گسترهٔ فراملی و ملی با چالش‌های متعددی روبه‌روست. بدین سان، در این نوشتار شناسایی حق متهمان مبنی برداشتن وکیل در فرایند کیفری (بند الف)، حمایت از حق متهمان مبنی برداشتن وکیل در فرایند کیفری (بند ب) بررسی

2. natural justice

3. clinical criminology

می‌شود تا پاسخی برای پرسش‌های زیر فراهم شود: آیا در اسناد فراملی همه جلوه‌ها و جنبه‌های حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرایند کیفری شناسایی شده است؟ آیا در گستره فراملی سازوکارهای مناسبی برای حمایت از این حق وجود دارد؟ آیا سیاست جنائی ایران در زمینه حق متهمان مبنی برداشتن وکیل در فرایند کیفری با سیاست جنائی فراملی همگراست؟ آیا در نظام کیفری ایران سازوکارهای مناسبی برای حمایت از حق یادشده پیش‌بینی شده است؟ آیا مقررات تقنینی و فروع تقنینی در این زمینه از مقررات فروع تقنینی پیروی کرده است؟ آیا دورنمای این حق در گستره سیاست جنائی ایران مطلوب است؟

### الف. شناسایی حق داشتن وکیل برای متهمان

شماری از اسناد فراملی – چه به صورت الزام‌آور و چه به صورت ارشادی – و مقررات ملی حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرایند کیفری را به رسمیت شناخته‌اند. در ادامه، بنیان‌های حق یادشده در این اسناد و مقررات بررسی می‌شوند.

#### ۱. در گستره فراملی

در گستره جهانی، برخی از اسناد فراملی حق داشتن وکیل را برای متهمان محترم شمرده‌اند. در میان اسناد جهانی، برای نخستین بار تدوین‌کنندگان پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ میلادی)<sup>۲</sup> در بند ۳ ماده ۱۴ این حق را مورد توجه قرار دادند. بر اساس قسمت د بند یادشده، «متهم می‌تواند در محاکمه حاضر شود و خود یا به وسیله وکیل برگزیده‌اش از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصلحت‌های دادگستری اقتضاء نماید از سوی دادگاه برای وی یک وکیل تعیین

4. International Covenant on Civil and Political Rights

شود، که در صورت ناتوان بودن متهم از پرداخت دستمزد وکیل، این هزینه از او مطالبه نمی‌شود» [۱۰:۱۰۰]. در کنار این سند، برخی از اسناد دیگر نیز مانند پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹ میلادی)<sup>۵</sup> و قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه عدالت نوجوانان (۱۹۸۵ میلادی) بر حق یادشده تأکید ورزیده‌اند [۱۳:۶۲]. به موجب مواد ۴ و ۲ و قسمت ۳ بند ب ماده ۴۰ پیمان‌نامه حقوق کودک، دولت‌های عضو مکلف شده‌اند که حق کودکان متهم مبنی برداشتن وکیل را «برای همه کودکانی که در گستره قضائی آنها زندگی می‌کنند، بدون توجه به نژاد، رنگ، دین، زبان، اندیشه‌های سیاسی، ملیت، ویژگی‌های قومی و اجتماعی، توانایی و ناتوانی مالی و... محترم بشمارند و اقدام‌های اجرایی و قانونی لازم در راستای تحقق [این حق] را اعمال کنند».

همچنین، حق مزبور بر اساس مواد ۲ و ۷، ۱۵ قواعد حداقل سازمان ملل متحد در زمینه عدالت نوجوانان به منزله یکی از تضمین‌های بنیادین دادرسی کیفری و معیارهای حداقل در زمینه عدالت کودکان یا نوجوانان بزه‌کار مورد توجه تدوین‌کنندگان آن قرار گرفته است. افزون بر این اسناد، بند ۲ ماده ۶۳ و بند ۱ ماده ۶۷ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸ میلادی)، مواد ۲۰، ۲۱ و ۲۲ قواعد دادرسی و دلایل دیوان بین‌المللی کیفری (۲۰۰۲ میلادی) و مواد ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷ و ۷۸ آیین‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری (۲۰۰۴ میلادی) این حق را برای متهمان به جنایت‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته‌اند [۳۰۹، ۱۱۵، ۶۱: ۲۴]. حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرایند کیفری آن‌چنان پراهمیت است که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی فراملی برای تبیین بیش‌تر آن سندی ویژه با نام اصول بنیادین نقش وکیلان را در سال ۱۹۹۰ میلادی تصویب کرده‌اند. مطابق درآمد

5. Convention on the Rights of the Child

6. U.N. Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice

و مواد ۷ و ۶، ۵ سند یادشده، پیش‌بینی حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل برای برقراری عدالت و برابری، حمایت از حق‌های انسانی و آزادی‌های بنیادین، رفع تفاوت‌گذاری و غیره در مقررات، سیاست‌ها و رویه‌های ملی به دولت‌ها سفارش شده است.

در گستره منطقه‌ای - جغرافیایی و منطقه‌ای - دینی نیز، سیاست‌گذاران جنائی فراملی این حق را مورد توجه قرار داده‌اند. نویسندگان پیمان‌نامه امریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸ میلادی)<sup>۷</sup> در قسمت ه‌بند ۲ ماده ۸، منشور افریقایی حقوق بشر و مردمان (۱۹۸۲ میلادی)<sup>۸</sup> از رهگذر قسمت ج بند ۱ ماده ۷، اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰ میلادی)<sup>۹</sup> در بند ه‌ماده ۱۹ و پیمان‌نامه اروپایی حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین بشر<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۴ میلادی) در قسمت ج بند ۳ ماده ۶ حق یادشده را زیر عنوان «حق متهمان مبنی بر بهره‌مندی از دادرسی عادلانه» گنجانده‌اند [۹۶ و ۱۵۰، ۱۱۸:۱۱]. این حق از نظر تدوین‌کنندگان اسناد یادشده آن چنان پراهمیت است که حتی برخی از آنان به‌ویژه نگارندگان پیمان‌نامه امریکایی حقوق بشر آن را در شمار حق‌های ساقط‌نشده متهمان قرار داده و از این رهگذر بر الزام آور بودن حضور وکیل آنان (خواه به شکل گزینشی و خواه به صورت رایگان) در فرایند کیفری پافشاری کرده‌اند. بنا بر این، بر پایه این اسناد، دولت‌ها موظف شده‌اند که از یک‌سوی بدون توجه به ویژگی‌های نژادی، جنسیتی، دینی، سیاسی، اقتصادی و... این حق را برای همه شهروندان محترم شمارند و از

7. American Convention on Human Rights

8. African Declaration on Human and Peoples Rights

9. Islamic Declaration on Human Rights

10. Convention for Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms

۱۱. این پیمان‌نامه نخستین بار در سال ۱۹۵۰ میلادی تصویب شده و در سال ۲۰۰۴ میلادی بازنگری و اصلاح

سوی دیگر، با تدوین مقررات مورد نیاز در راستای اجراء آن در سطح ملی گام بردارند.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی فراملی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای نزدیک پنج‌دهه است که حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری را در شمار جلوه‌های حقوق شهروندی و حق بهره‌مندی از دادرسی عادلانه جای داده‌اند.

## ۲. درگستره ملی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی ایران به حق بهره‌مندی متهمان از وکیل در مقررات فراتقنینی و شماری از مقررات تقنینی و فرتقنینی توجه کرده‌اند. نویسندگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ خورشیدی از رهگذر اصل سی و پنجم ق.ا. حق داشتن وکیل در فرایند کیفری را برای متهمان محترم شمرده‌اند. بر اساس این اصل، آنان می‌توانند در همه مرحله‌های فرایند کیفری «برای خود وکیل انتخاب [کنند] و اگر توانایی انتخاب وکیل رانداشته [باشند] باید برای [آنان] امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».<sup>۱۱</sup> در گستره مقررات تقنینی، برای نخستین بار قانون‌گذار ایرانی هنگام بازنگری قانون اصول محاکمات جزایی در سال ۱۳۳۵ خورشیدی این حق را وارد پهنه این مقررات کرد [۹:۲۳۳]. بر پایه تبصره ماده ۱۱۲ این قانون، متهمان می‌توانستند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک وکیل و به موجب ماده ۳۱۴ آن، در مرحله دادرسی حداکثر سه وکیل برای خود برگزینند. همچنین، آنان بر اساس ماده ۳۰۹ قانون مزبور حق داشتند که در صورت نداشتن توانایی مالی، از وکیل رایگان در مرحله دادرسی استفاده کنند. افزون بر این، متهمان به جرم‌های جنائی مطابق ماده ۹ قانون تشکیل محاکم جنائی (۱۳۳۷ خورشیدی) می‌توانستند در سراسر فرایند کیفری برای خود وکیل

۱۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: مهرپور، حسین؛ حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران: انتشارات اطلاعات، چاپ نخست، سال ۱۳۷۴، صص ۱۵۰ و ۱۴۹.

برگزینند یا اینکه دادگاه در صورت معرفی نشدن وکیل گزینشی از سوی آنان به تعیین وکیل رایگان مبادرت می‌ورزید [۱:۱۹۱]. این روی‌کرد از آن‌پس در تدوین سایر مقررات تقنینی مورد توجه قرار گرفته است؛ بدین شکل که، مطابق ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی (۱۳۷۰ خورشیدی)، تبصره ۲ قانون استفاده بعضی از دستگاه‌ها از نماینده حقوقی در مراجع قضائی و... (۱۳۷۴ خورشیدی)، مواد ۱۲۸ و ۱۸۵، ۱۸۶ ق.آ.د.ا.ک، بند ۳ ماده واحده احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳ خورشیدی) و قسمت ز بند ۷ ماده ۱۳۰ ق.ب.ج.ت، متهمان می‌توانند مانند گذشته به گزینش یک وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و چند وکیل در مرحله دادرسی مبادرت ورزند. افزون بر این، شماری از مقررات فروتقنینی نیز به این حق اشاره کرده‌اند. براساس ماده ۷ آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادرهای انقلاب (۱۳۵۸ خورشیدی) و بندهای الف و ب ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرائی قانون اصلاح ق.م.م.م، متهمان به بزه‌کاری مواد مخدر از حق گزینش وکیل یا استفاده از وکیل رایگان در مرحله دادرسی و به موجب ماده ۱ آیین‌نامه اجرائی ماده ۱۰ قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری (۱۳۷۴ خورشیدی) و مطابق مواد ۳ و ۸ آیین‌نامه اجرائی قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح (۱۳۷۹ خورشیدی)، همه متهمان حق بهره‌مندشدن از وکیل رایگان را در مرحله دادرسی دارند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که در نظام تقنینی ایران، متهمان می‌توانند از وکیل گزینشی در همه مرحله‌های فرایند کیفری و از وکیل رایگان فقط در مرحله دادرسی استفاده کنند تا از این رهگذر وکیل آنان در برابر دستگاه قضائی به دفاع از حقوق متهمان مبادرت ورزد [۲۹:۱۹۴].

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی با توجه به اهمیت حقوق کودکان متهم و به منظور همگرایی با اسناد فراملی ناظر به این دسته از بزه‌کاران، در نظام تقنینی گذشته و امروز با روی‌کردی ویژه به حق آنان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری



نگریستند. در نظام تقنینی گذشته، مطابق ماده ۱۱ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزه‌کار (۱۳۳۸ خورشیدی)، دادگاه در صورتی که اتهام کودکان از درجه جنایت بود، به سرپرست قانونی آنان اعلام می‌کرد که «وکیلی برای [کودکان] تعیین نموده و یا شخصاً برای دفاع در دادگاه حاضر شود. هرگاه سرپرست اقدام به تعیین وکیل [نمی‌کرد] و شخصاً نیز در دادگاه حاضر [نمی‌شد] چنانچه دادگاه مداخله وکیل را ضروری تشخیص [می‌داد] وکیل تسخیری برای [آنان] تعیین [می‌کرد]». همچنین، به موجب قسمت پایانی این ماده، دادگاه در صورت متهم بودن کودکان به ارتکاب جرمی از درجه جنحه و خلاف، فقط به سرپرست قانونی آنان اجازه حضور در دادگاه و دفاع از کودکان متهم را می‌داد. بنا بر این، نویسندگان قانون یادشده از یکسو در جرم‌های جنائی حق کودکان متهم مبنی بر داشتن وکیل گزینشی در فرایند کیفری را به طور مطلق و این حق را در مورد بهره‌مندی از خدمات وکیل رایگان به شکل مشروط پذیرفته بودند و از سوی دیگر در جرم‌های جنحه‌ای و خلاف با حضور وکیل کودکان متهم در فرایند کیفری مخالف بودند. در نظام تقنینی امروز، ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ا.ک. نقش بیش‌تری به وکیل برای کودکان متهم در فرایند کیفری بخشیده است؛ بدین معنا که، «در هنگام رسیدگی به جرائم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد». بدین ترتیب، مطابق این ماده، کودکان متهم می‌توانند به طور مطلق از وکیل گزینشی و رایگان در همه مرحله‌های فرایند کیفری استفاده کنند. حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری از رهگذر مقررات فراتقنینی شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی مورد توجه قرار گرفته است. ولی، به نظر می‌رسد که فراگیرنبودن حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در

مرحله‌های مختلف فرایند کیفری از جمله مرحله‌های تحت نظر و انتظامی (پلیسی) [۶:۲۱۹]، آگاه نکردن آنان از حق داشتن وکیل از سوی ضابطان دادگستری و مقام‌های قضائی، پیش بینی نشدن وکیل رایگان در فرایند پیش از دادرسی، محدود بودن حق بهره‌مندی از وکیل رایگان در فرایند دادرسی، محرومیت وکیل از دست‌رسی به پرونده جنائی در فرایند پیش از دادرسی و ممنوعیت مداخله و اظهار نظر وکیل و فساد آور انگاشتن حضور وی در این مرحله از چالش‌های بنیادین حق یاد شده در نظام تقنینی ایران به شمار رود.

### ب. حمایت از حق داشتن وکیل برای متهمان

سیاست‌گذاران جنائی فراملی و ملی از رهگذر نهادهای نظارتی و پیش بینی پاسخ‌های کیفری و غیر کیفری به حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری مبادرت ورزیده‌اند.

#### ۱. درگستره فراملی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی فراملی برای تضمین رعایت جلوه‌های حقوق شهروندی مانند حق داشتن وکیل در فرایند کیفری نهادهای نظارتی حمایت‌گرو پاسخ‌های سیاسی و مدنی را پیش بینی کرده‌اند.

#### ۱-۱. نهادهای نظارتی حمایت‌گر

در گستره جهانی، شماری از نهادهای فراملی - خواه در قالب سازوکارهای غیر قراردادی و خواه در چهارچوب سازوکارهای قراردادی - به حمایت از حق داشتن وکیل در فرایند کیفری می‌پردازند. نهادهای فراملی غیر قراردادی - که نهادهای فراملی عمودی نیز نامیده می‌شوند - در پرتو اقتدار سازمان ملل متحد می‌توانند بر عمل کرد دولت‌ها در زمینه اجراء درست و دقیق جلوه‌های حقوق شهروندی نظارت کنند. به دیگر سخن، این نهادها خارج از توافق دولت‌ها از

رهگذر پیمان نامه‌ها به بررسی رفتار آنها در زمینه نقض حق‌های یادشده مبادرت می‌ورزند [۱۲:۱۱۰]. بنا بر این، سیاست‌گذاران جنائی فراملی با پیش‌بینی نهادهایی مانند شورای اقتصادی و اجتماعی (فصل دهم منشور ملل متحد) و شورای حقوق بشر در صدد ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و کمک به تحقق حق‌های انسانی، آزادی‌های بنیادین و احترام به حقوق شهروندی برآمده‌اند.

در کنار این نهادها، شمار دیگری از نهادهای فراملی با روی‌کردی قراردادی و به شکل افقی به نظارت بر مقررات، سیاست‌ها و رویه دولت‌ها در زمینه حقوق شهروندی از جمله حق داشتن وکیل در فرایند کیفری می‌پردازند. بر این اساس، دولت‌های عضو پیمان نامه‌ها در پرتو توافق‌های انجام‌شده نهادی را برای حمایت از اجراء مفاد آن پیش‌بینی می‌کنند [۲۳:۸۵].

بدین سان، دولت‌های عضو پیمان نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ میلادی) از رهگذر مواد ۲۸ و ۴۰ کمیته حقوق بشر<sup>۱۳</sup> و پیوستگان به پیمان نامه حقوق کودک (۱۹۸۹ میلادی) در ماده ۴۳ «کمیته حقوق کودک» را برای نظارت بر عمل‌کرد دولت‌های عضو در زمینه رعایت تعهدهای خود در برابر پیمان‌نامه‌های یادشده - مانند حق متهمان مبنی برداشتن وکیل در فرایند کیفری - پیش‌بینی کرده‌اند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی فراملی با روی‌کردی غیرقضائی و از رهگذر سازوکارهای غیرقراردادی یا قراردادی زمینه‌های حمایت از حق متهمان مبنی برداشتن وکیل را در فرایند کیفری در گستره جهانی فراهم کرده‌اند.

سیاست‌گذاران جنائی فراملی در گستره منطقه‌ای با ایجاد نهادهای قضائی امکان نظارت بر رفتار دولت‌ها را درباره تحقق جلوه‌های حقوق شهروندی ایجاد کرده‌اند.

۱۳. برای آگاهی بیشتر، ر. ک: متین دفتری، احمد؛ حقوق بشر و حمایت‌های بین‌المللی آن؛ انتشارات بهمن،

در منطقه اروپا، نویسندگان پیمان نامه اروپایی حمایت از حق ها و آزادی های بنیادین بشر (۱۹۹۴ میلادی) با بازنگری در این سند دیوان اروپایی حقوق بشر را به منظور تضمین رعایت تعهد های ناشی از این پیمان نامه ... مانند حق متهمان در بهره مندی از وکیل در فرایند کیفری - پیش بینی کرده اند [۲۱۲:۸].

در منطقه امریکا، تدوین کنندگان پیمان نامه امریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸ میلادی) در قسمت دوم این سند کمیسیون و دیوان امریکایی حقوق بشر را به منزله نهادهای حمایت گر از تعهد های دولت های عضو این پیمان نامه بر شمرده اند. نهادهای یاد شده بر اساس شماری از مواد پیمان نامه های مزبور موظف شده اند که در زمینه آگاه سازی دولت ها در زمینه حقوق انسانی، دریافت گزارش از دولت های عضو در راستای اجراء تعهد ها از جمله تعهد های مربوط به حقوق شهروندی و رسیدگی به شکایت ها فعالیت کنند [۲۱:۴۸].

بدین سان، سیاست گذاران جنائی دو منطقه اروپا و امریکا از رهگذر نهادهای قضائی از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری پشتیبانی کرده اند. در منطقه افریقا، تصمیم گیرندگان سیاست جنائی با پیش بینی کمیسیون و دیوان افریقایی حقوق بشر و مردمان از رهگذر بخش دوم منشور افریقایی حقوق بشر و مردمان (۱۹۸۲ میلادی) زمینه های حمایت قضائی از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل را در فرایند کیفری فراهم ساخته اند. بنا بر این، حق داشتن وکیل در فرایند کیفری در گستره منطقه ای نیز از سوی نهادهایی که به این منظور تأسیس شده اند، مورد حمایت قرار گرفته است. بدین ترتیب، سیاست گذاران جنائی فراملی منطقه ای با پیش بینی نهاد قضائی در سطح منطقه های یاد شده، از یک سو نظارت بر رعایت حقوق شهروندی از جمله حق داشتن وکیل در فرایند کیفری و از سوی دیگر واکنش نسبت به نقض کنندگان این حق ها را مورد نظر قرار داده اند. تصمیم گیرندگان سیاست جنائی فراملی از رهگذر شماری از نهادهای قضائی

و غیرقضائی به نظارت بر اجراء حقوق متهمان در فرایند کیفری از جمله حق داشتن وکیل اشاره کرده اند. با وجود این، به نظر می‌رسد که سازوکارهای نظارتی - به ویژه سازوکارهای قضائی - نسبت به اجراء درست و دقیق حق یادشده به شکل فراگیرپیش‌بینی نشده‌اند. زیرا، براساس اسناد فراملی، نظارت قضائی بر عمل‌کرد دولت‌ها در این زمینه تنها در شماری از منطقه‌ها مانند اروپا انجام می‌پذیرد، در حالی که در منطقه‌ای مانند آسیا نظارتی بر سیاست‌ها، رویه‌ها و مقررات دولت‌های این منطقه درباره‌ی اجراء این حق مزبور صورت نمی‌گیرد. بنابراین، حمایت قضائی از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری به شکلی غیرفراگیر و فقط در برخی از منطقه‌ها مورد توجه سیاست‌گذاران جنائی فراملی واقع شده است.

#### ۱-۲. پیش‌بینی ضمانت اجرا

#### ۱-۲-۱. ضمانت‌اجراء مدنی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی فراملی منطقه‌ای در راستای حمایت از جلوه‌های حقوق متهمان از جمله حق داشتن وکیل در فرایند کیفری ضمانت‌اجراء مدنی را پیش‌بینی کرده‌اند. بدین سان، براساس ماده‌ی ۴۱ پیمان‌نامه‌ی اروپایی حمایت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین بشر (۲۰۰۴ میلادی)، مواد ۶۳ و ۲۵ پیمان‌نامه‌ی امریکایی حقوق بشر (۱۹۷۸ میلادی) و مواد ۲۵ و ۲۴ منشور افریقایی حقوق بشر و مردمان (۱۹۸۲ میلادی)، نهادهای قضائی منطقه‌ای می‌توانند در صورتی که دولت‌ها این حق را نقض کنند، آنها را به پرداخت خسارت عادلانه محکوم کنند. بنا بر این، ملاحظه می‌شود که در گستره‌ی منطقه‌ای نقض این حق از سوی دولت‌ها با پاسخ مدنی روبه‌رو می‌شود.

#### ۱-۲-۲. ضمانت‌اجراء سیاسی

سیاست‌گذاران جنائی فراملی جهانی ضمانت‌اجراء سیاسی را برای حمایت از

حق یادشده در نظر گرفته اند. از این رو، نهادهای نظارتی حمایت‌گر مطابق شماری از اسناد جهانی از جمله پیمان نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در صورت دریافت گزارش نقض حقوق شهروندی از سوی دولت‌ها در صدد تنظیم و صدور اعلامیه، قطعنامه و مواردی مانند این برمی‌آیند. این گونه پاسخ‌دهی با برانگیختن قضاوت افکار عمومی فراملی نسبت به دولت‌ها، آنها را به اجراء درست و دقیق این حق وامی‌دارد.

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی فراملی با وجود اینکه در شماری از اسناد جهانی و منطقه‌ای به پیش‌بینی ضمانت‌اجراء سیاسی و مدنی برای نادیده انگاشتن حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری مبادرت ورزیده اند، به نظر می‌رسد که ضمانت‌اجراء مدنی به دلیل پیش‌بینی نشدن در اسناد جهانی و نبود سند الزام‌آور منطقه‌ای در برخی منطقه‌ها مانند آسیا در همه منطقه‌ها قابلیت اعمال ندارد. از این رو، حق متهمان در بهره‌مندی از وکیل در فرایند کیفری به‌درستی در گستره جهانی مورد حمایت قرار نگرفته است.

## ۲. در گستره ملی

در گستره تقنینی ایران، حق داشتن وکیل در فرایند کیفری از رهگذر نهادهای نظارتی حمایت‌گر و پاسخ‌های کیفری و انتظامی مورد حمایت قرار گرفته است.

### ۲-۱. نهادهای نظارتی حمایت‌گر

در نظام تقنینی ایران، نهادهای متعددی با روی‌کردی عمومی برای نظارت بر اجراء درست و دقیق مقررات فراتقنینی و تقنینی پیش‌بینی شده اند. از این رو، نهادهایی مانند هیأت پی‌گیری و نظارت بر اجراء قانون اساسی در پرتو اصل ۱۱۳ و مصوبه رئیس‌جمهور در سال ۱۳۷۶ خورشیدی<sup>۱۴</sup> و کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی به موجب اصل ۹۰ به نظارت بر عمل‌کرد دستگاه قضائی در زمینه رعایت حقوق

۱۴. این هیأت را رئیس‌جمهور وقت در سال ۱۳۸۵ خورشیدی منحل کرد.

شهروندان - از جمله، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری - می‌پردازند [۲۷: ۱۶۱]. با وجود این، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی ایران در سال ۱۳۸۳ خورشیدی هنگام تدوین قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با روی‌کردی ویژه به حمایت از حق متهمان مبنی بر بهره‌مندی از وکیل نگریسته‌اند؛ بدین معنا که، آنان از یک سو این حق را فقط از جلوه‌های حقوق شهروندی بر شمرده‌اند و از سوی دیگر، با تأسیس هیأت‌های نظارت مرکزی و نظارت و بازرسی در دو سطح ملی و استانی، بر حمایت از این حق تأکید کرده‌اند. هیأت نظارت مرکزی بر اساس مواد ۲ و ۱ دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون یادشده با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای معاونان این قوه موظف شده است که در سطح ملی به نظارت بر اجراء دقیق و درست قانون یادشده، شکایت از نقض‌کنندگان آن و ارائه گزارش در زمینه روند اجراء این قانون مبادرت ورزد. هیأت نظارت و بازرسی نیز بر پایه مواد ۴ و ۸ این دستورالعمل با عضویت شماری از دادرسان، نمایندگان سازمان قضائی نیروهای مسلح، سازمان بازرسی کل کشور و دادسرای انتظامی قضات وظایفی از جمله بازرسی نهادهای مسئول اجراء این قانون و رسیدگی به گزارش‌ها و شکایت‌های فرستاده‌شده را بر عهده دارد. این هیأت به موجب مواد ۱۴ و ۱۵ دستورالعمل مزبور در صورت مشاهده نقض آشکار حقوق شهروندی مانند سلب حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری، «باید بی‌درنگ موضوع را حسب مورد به قاضی دادگاه یا دادستان مربوط اعلام کند».

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که سیاست‌گذاران جنائی ایران با تأسیس این نهادها نظارت بر اجراء درست و دقیق حق بر داشتن وکیل در فرایند کیفری - به ویژه حق متهمان - را به منزله یکی از جلوه‌های حقوق شهروندی مورد توجه قرار داده‌اند.

## ۲-۲. پیش‌بینی ضمانت اجرا

### ۲-۲-۱. ضمانت‌اجراء کیفری

قانون‌گذار ایرانی در سال ۱۳۷۵ خورشیدی با تدوین بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی به حمایت کیفری از حق داشتن وکیل در فرایند کیفری مبادرت ورزیده است. مطابق ماده ۵۷۰ این قانون، هرگاه یکی از «مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد». بنابراین، اگر هر یک از مقام‌های قضائی یا اجرائی متهمان را از حق داشتن وکیل در فرایند کیفری که یکی از حق‌های مقرر در قانون اساسی است - محروم کنند، با پاسخ کیفری روبه‌رو می‌شود [ ۱۵۳: ۲۶ ].

### ۲-۲-۲. ضمانت‌اجراء مدنی

در گستره سیاست جنائی ایران، به طور مشخص برای حمایت از حق یادشده ضمانت‌اجراء مدنی پیش‌بینی نشده است. ولی، متهمان با توجه به شماری از مواد قانون مسئولیت مدنی (۱۳۳۹ خورشیدی) می‌توانند از افراد سلب‌کننده این حق جبران خسارت مطالبه کنند. بنا بر این، بر پایه مواد ۱ و ۱۱ قانون یادشده، آن دسته از مقام‌هایی «که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی» سبب سلب حق تعیین وکیل و وارد شدن خسارت (مادی یا معنوی) به متهمان شده‌اند، شخصاً مسؤول جبران خسارت‌های وارده‌اند.

### ۲-۲-۳. ضمانت‌اجراء انتظامی

سیاست‌گذاران جنائی ایران در کنار دیگر گونه‌های حمایت از حق یادشده با پیش‌بینی پاسخ‌های انتظامی در شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی از آن حمایت کرده‌اند. از این رو، بر اساس تبصره ۲ ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی (۱۳۷۰)



خورشیدی)، «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از [متهمان] سلب نماید ... برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم انفصال از شغل قضائی می باشد». همچنین، مطابق بند ۲ ماده ۷۸ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (۱۳۳۴ خورشیدی)، اگر یکی از وکیلان دادگستری «دفاع از متهمین را که از طرف دادگاهها در حدود قانون و نظامات به ایشان ارجاع می شود...» به درستی انجام ندهد، به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم می شود. بنا بر این، ملاحظه می شود که در نظام تقنینی ایران، از حق متهمان مبنی برداشتن وکیل گزینشی و رایگان در فرایند کیفری از رهگذر ضمانت اجراهای انتظامی حمایت شده است.

#### ۲-۲-۴. ضمانت اجراء بطلان

تصمیم گیرندگان سیاست جنائی ایران در نظام کیفری گذشته در راستای حمایت از حق متهمان مبنی برداشتن وکیل، ضمانت اجراء بطلان را پیش بینی کرده بودند. بر پایه ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات جزائی (۱۲۹۰ خورشیدی)، «سلب حق تعیین وکیل مدافع از متهم باعث بطلان حکم [می شد]». در نظام کیفری امروز، این سیاست که نقش مؤثری در احقاق حق متهمان و دست‌رسی آنان به دادرسی عادلانه ایفا می کند، تا سال ۱۳۷۰ خورشیدی مورد توجه سیاست‌گذاران جنائی قرار نگرفت تا اینکه در آن سال با تصویب ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا برای سلب این حق ضمانت اجراء بطلان پیش بینی شد. بدین ترتیب، سلب حق متهمان مبنی برداشتن وکیل در فرایند کیفری سبب بطلان حکم صادر شده می شود.

#### نتیجه‌گیری

حق داشتن وکیل در فرایند کیفری از رهگذر شماری از اسناد فراملی به منزله یکی از مهم ترین جلوه‌های حقوق شهروندی و تضمین های دادرسی عادلانه به رسمیت

شناخته شده است. تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی ایران نیز نزدیک پنج‌دهه است که این حق را از رهگذر مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی وارد پهنه سیاست جنائی کرده‌اند. این حق در گستره فراملی و ملی با چالش‌های متعددی روبه‌روست که برای رفع آن باید راهکارهایی ارائه شود.

#### الف. راهکارهای ناظر به گستره فراملی

##### ۱. تأسیس نهاد نظارتی قضائی در گستره جهانی

نظارت قضائی یکی از مؤثرترین سازوکارهای حمایت از جلوه‌های حقوق شهروندی به شمار می‌رود. از این رو، سیاست‌گذاران جنائی برخی از منطقه‌ها مانند اروپا به تأسیس نهاد نظارتی قضائی برای حمایت از حق‌های متهمان در فرایند کیفری از جمله این حق اقدام کرده‌اند. ولی، به دلیل نبود نهاد یادشده در همه منطقه‌ها مانند آسیا، به نظر می‌رسد که تأسیس نهاد نظارتی قضائی در گستره جهانی می‌تواند در حمایت از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری نقش بسزایی ایفا کند.<sup>۱۵</sup> بدین ترتیب، ایجاد یک نهاد قضائی مستقل مانند دیوان اروپایی حقوق بشر در گستره جهانی برای رسیدگی به شکایت شهروندان از جمله متهمان در زمینه نقض حق‌های آنان در فرایند کیفری می‌تواند تا اندازه بسیاری بر بهبود وضعیت دادرسی عادلانه مؤثر باشد؛

##### ۲. پیش‌بینی ضمانت‌اجراء حقوقی در گستره جهانی

شماری از اسناد منطقه‌ای مانند آفریقا برای نقض حق داشتن وکیل در فرایند کیفری از سوی دولت‌ها ضمانت‌اجراء حقوقی را پیش‌بینی کرده‌اند. ولی، این ضمانت‌اجرا به دلیل پیش‌بینی نشدن در برخی از منطقه‌ها مانند آسیا فراگیر نیست. بدین سان، بازنگری در سیاست جنائی فراملی و پیش‌بینی این ضمانت‌اجرا و اجراء آن از سوی نهاد قضائی جهانی موجب می‌شود که از یک سو دولت‌ها بیش‌تر

۱۵. برخی تأسیس نهاد نظارتی قضائی در گستره جهانی یا در شماری از منطقه‌ها را به دلیل زمینه‌های متفاوت فرهنگی، اجتماعی و غیره ناممکن می‌پندارند [۲۰۰: ۲۴۶].

در صدد اجراء حقوق شهروندی برآیند و از سوی دیگر، شهروندان با دریافت خسارت ناشی از نقض این حق تا اندازه‌ای آرامش خاطر پیدا کنند؛

### ۳. تأسیس نهاد نظارتی جامعه‌ی در گستره‌ی جهانی

نهادهای جامعه‌ی فراملی در شماری از اسناد فراملی از جمله منشور ملل متحد (۱۹۴۵ میلادی) مورد توجه قرار گرفته‌اند. این نهادها بر پایه‌ی ماده‌ی ۷۱ منشور یادشده مکلف شده‌اند که در راستای دفاع از آزادی، حق‌های انسانی و اقدام‌های بشردوستانه اقدام کنند. به همین منظور، نهادهایی مانند «سازمان عفو بین‌المللی»، «کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ» و «کمیسیون بین‌المللی حقوق دانان» از دهه‌ی ۵۰ میلادی برای دفاع از حقوق زندانیان، بررسی وضعیت حقوق اسیران و مجرمان سیاسی تأسیس شده‌اند [۷۲: ۲۹]. ولی، در این میان، نهاد ویژه‌ای برای نظارت بر حقوق شهروندان در فرایند کیفری مشاهده نمی‌شود. بنا بر این، تأسیس این نهاد در گستره‌ی جهانی می‌تواند بر بهبود عمل کرد دولت‌ها در زمینه‌ی ایجاد امکانات مناسب برای حق شهروندان مبنی برداشتن وکیل در فرایند کیفری تأثیرگذار باشد.

### ب. راهکارهای ناظر به گستره‌ی ملی

۱. لزوم اعلام حق داشتن وکیل به متهمان  
حق متهمان مبنی برداشتن وکیل در فرایند کیفری یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاعی و تضمین‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌رود. آگاه بودن متهمان از حق داشتن وکیل در احقاق حق آنان و اجراء عدالت نقش بسزایی را ایفا می‌کند [۱۲۸: ۱۵]. به همین دلیل، شماری از قانون‌گذاران آگاه‌سازی متهمان از این حق را در شمار وظایف ضابطان دادگستری و مقام‌های قضائی گنجانده‌اند. در نظام کیفری گذشته و امروز ایران، این الزام برای دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری پیش‌بینی نشده است. ولی، تدوین‌کنندگان «لایحه‌ی قانون حقوق شهروندی و

تأسیس نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی»<sup>۱۶</sup> در ماده ۹۰ و نویسندگان «لایحه قانون آیین دادرسی کیفری»<sup>۱۷</sup> در مواد ۵-۱۱۱، ۲۱-۱۲۱، ۲۵-۱۲۲ و ۲۳-۱۲۵ دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری را مکلف کرده‌اند که متهمان را از حق داشتن وکیل در فرایند کیفری آگاه کنند؛

## ۲. حضور آزادانه وکیل‌گزینی در همهٔ مرحله‌های فرایند کیفری

قانون‌گذار ایرانی در قانون اصول محاکمات جزائی (۱۳۹۰ خورشیدی) به شکل مطلق حضور متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی را پذیرفته بود؛ به گونه‌ای که، براساس تبصره ماده ۱۱۲ این قانون، «وکیل متهم [می‌توانست در مرحله تحقیقات مقدماتی] یک نفر از وکلاء دادگستری را همراه خود داشته باشد...». ولی، این نگرش با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) (۱۳۷۸ خورشیدی) تا اندازه بسیاری دستخوش تغییر شده است. بر پایه این تبصره، «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرائم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود». این اقدام قانون‌گذار که به نوبه خود یک نوآوری انگاشته می‌شود، از یک سو با فسادآور شدن حضور وکیل در فرایند پیش از دادرسی و بیگانه انگاشتن وی به انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی (۱۳۷۰ خورشیدی) در مورد هم‌شان بودن وکیل با دادرسی انجامیده و از سوی دیگر با وابسته کردن حضور وکیل متهمان بزه‌کاری‌های امنیتی به اجازه مقام قضائی، تا اندازه‌ای به سوی تفتیشی شدن فرایند کیفری و در نتیجه افزایش احتمال نقض حق آنان گرایش پیدا کرده است [۲۰: ۲۵]. با وجود این، به

۱۶. این لایحه را دفتر پژوهش‌ها و اطلاع‌رسانی نهاد ریاست جمهوری تدوین کرده و هم‌اکنون - آذر ۱۳۸۶ خورشیدی - در هیأت دولت مورد بررسی است.

۱۷. این لایحه را معاونت حقوقی و توسعه قضائی قوه قضائیه تدوین کرده و هم‌اکنون - آذر ۱۳۸۶ خورشیدی - هیأت دولت مورد بررسی است.

نظر می‌رسد که با توجه به نگرش تدوین‌کنندگان «لایحه قانون آیین دادرسی کیفری» در ماده ۲۳-۱۲۵، حضور وکیل متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی با چالش‌های کم‌تری در آینده روبه‌رو باشد. زیرا، بر پایه این ماده، متهمان می‌توانند به شکل مطلق در مرحله یادشده یک نفر وکیل رسمی دادگستری همراه خود داشته باشند؛

### ۳. حق داشتن وکیل رایگان در همه مرحله‌های فرایند کیفری

شماری از متهمان برای گزینش وکیل در فرایند پیش از دادرسی توانایی مالی مناسب ندارند. از این رو، برخی از سیاست‌گذاران جنائی با توجه به اهمیت ویژه مرحله تحقیقات مقدماتی، حق آنان مبنی بر داشتن وکیل رایگان را به رسمیت شناخته‌اند. تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی ایران در نظام تقنینی پیشین این حق را در مقررات فراتقنینی، تقنینی و فروتقنینی پیش‌بینی نکرده بودند. ولی، در نظام تقنینی کنونی، سیاست‌های متفاوتی اتخاذ شده است؛ بدین شکل که، از یک سو خبرگان قانون اساسی در پرتو اصل سی و پنجم و نویسندگان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳ خورشیدی) در قسمت ۷ بند ماده ۱۳۰ به حضور وکیل و تهیه امکانات تعیین وکیل رایگان برای متهمان در همه مرحله‌های فرایند کیفری از جمله مرحله تحقیقات مقدماتی اشاره کرده [۷۵۲: ۱۶] و از سوی دیگر، تدوین‌کنندگان مقررات تقنینی با وجود تدوین مقررات متعدد - به ویژه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) (۱۳۷۸ خورشیدی) - فقط به حضور وکیل گزینشی متهمان در این مرحله توجه کرده‌اند. بدین سان، قانون‌گذار ایرانی بدون توجه به اصل یادشده، حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل رایگان را در مرحله مزبور نادیده انگاشته است [۱۹۶: ۵] و دادرسان نیز به پیروی از قانون‌گذار بر محروم کردن آنان از این حق بنیادین تأکید می‌کند. این در حالی است که تدوین‌کنندگان «لایحه قانون حقوق شهروندی و تأسیس

نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی» به دلیل تأثیر حضور وکیل بر شکل‌گیری پرونده جنائی و تعیین سرنوشت قضائی در پرتو تبصره ۲ ماده ۹۰ و نویسندگان «لایحه قانون آئین دادرسی کیفری» از رهگذر ماده ۱۳-۱۳۳ همین روی‌کرد را پذیرفته‌اند. همچنین، نگارندگان «لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان» در ماده ۲۱ این حق را تنها در مورد کودکان متهم به جرم‌های سنگین محترم شمرده‌اند بنا بر این، پیش‌بینی حق متهمان و توان مالی مبنی بر داشتن وکیل رایگان در فرایند پیش از دادرسی با آموزه‌های دادرسی عادلانه سازگارتر است؛

#### ۴. محترم شمردن حق دست‌رسی وکیل به پرونده جنائی و اظهارنظر

حق متهمان یا وکیل آنان مبنی بر دست‌رسی به پرونده جنائی از مهم‌ترین آثار فرض بی‌گناهی و از بارزترین جلوه‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌رود [۲۷۹: ۱۴]. این حق سبب می‌شود که متهمان یا وکیل آنان با آگاهی از چیستی پرونده جنائی به گونه‌ای مناسب تدابیر دفاعی لازم را اتخاذ کنند [۴: ۳۵۴]. از این رو، در نظام کیفری گذشته، بر پایه ماده ۳۲۶ قانون اصول محاکمات جزائی سال ۱۲۹۰ خورشیدی، وکیل متهمان با مراجعه به دادگاه می‌توانست از اظهارنظرهای دادستان و شاکی آگاهی‌های لازم را به دست آورد. بدین سان، وکیل متهمان بدون وجود مانعی دارای حق دست‌رسی به پرونده جنائی بود. ولی، با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) (۱۳۷۸ خورشیدی)، این حق از رهگذر ماده ۱۹۰ تا اندازه بسیاری متزلزل شده است. بر پایه این ماده، وکیل متهمان «در مواردی که تحقیقات تکمیل و برای انجام محاکمه وقت تعیین شده باشد [می‌تواند] پیش از شروع محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه و از محتویات پرونده اطلاعات لازم را تحصیل [کند]». پیدا است که وکیل آنان به موجب این ماده از حق دست‌رسی به پرونده جنائی محروم شده است. زیرا، او تنها پس از پایان یافتن تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت برای رسیدگی و صدور رأی می‌تواند

از محتویات پرونده جنائی آگاه شود. نویسندگان «لایحه قانون آئین دادرسی کیفری» نیز با پیروی از «روی کرد امنیت مدار» بر محرومیت متهمان یا وکیل آنان در زمینه دست‌رسی به پرونده جنائی و ممنوع بودن در مداخله و اظهار نظر پیش از گذشته پافشاری کرده‌اند؛ زیرا در مواد ۲۳-۱۲۵ و ۲۴-۱۲۵ از یک سو مانند گذشته تنها حق مطالعه پرونده جنائی و اظهار نظر تشریفاتی در فرایند پیش از دادرسی را برای وکیل متهمان به رسمیت شناخته و از سوی دیگر، صدور قرار عدم دست‌رسی به پرونده جنائی از سوی باز پرس - که به نوبه خود یک نوآوری انگاشته می‌شود - را پیش‌بینی کرده‌اند. بدین سان، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنائی ایران همواره وکیل متهمان که می‌تواند با آگاهی از چیستی پرونده جنائی، آزادانه در راستای دلیل‌آوری و اثبات بی‌گناهی اقدام کند [۷:۸۱] را بیگانه انگاشته و تفتیشی بودن فرایند کیفری را بر رعایت حق‌های دفاعی متهمان در این فرایند مقدم می‌شمارند.

#### منابع

۱. آخوندی، محمود؛ آئین دادرسی کیفری؛ جلد دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۲. آشوری، داریوش؛ دانشنامه سیاسی؛ انتشارات مروارید، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴.
۳. آشوری، محمد؛ عدالت کیفری؛ انتشارات گنج دانش، چاپ نخست، ۱۳۸۶.
۴. آشوری، محمد؛ مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ در: حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات گرایش، چاپ نخست، ۱۳۸۳.
۵. آقایی جنت مکان، حسین؛ حق دفاع متهم؛ تحدید یا توسعه، مجله کانون وکلا، شماره

۱۹۳ و ۱۹۲، ۱۳۸۵.

۶. اردبیلی، محمدعلی؛ نگهداری تحت نظر؛ در: علوم جنائی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۷. اردبیلی، محمدعلی؛ تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳، ۱۳۸۵.

۸. ارفعی (عالیه) و دیگران، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین المللی؛ انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ نخست، ۱۳۷۲.

۹. امید (جلیل)، دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم؛ در: علوم جنائی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۱۰. امیر ارجمند، اردشیر؛ مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر؛ جلد نخست، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۱۱. امیر ارجمند، اردشیر؛ مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر؛ جلد دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۸۵.

۱۲. ذاکریان، مهدی، حقوق بشر در هزاره جدید؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۱.

۱۳. خواجه نوری، یاسمن؛ تحولات سیاست جنائی ایران پس از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.

۱۴. شاملو، باقر؛ اصل برائت کیفری در نظامهای نوین دادرسی؛ در: علوم جنائی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۱۵. شعاع، مهدی؛ اصول حاکم بر رسیدگی قبل از محاکمه در قوانین ایران و اسناد بین المللی حقوق بشر؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۲.

۱۶. صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان، بررسی عناوین قانون اساسی ایران؛ انتشارات اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ نخست، ۱۳۶۴.

۱۷. فالکس، کیث؛ شهروندی؛ مترجم: دلفروز، محمدتقی؛ انتشارات کویر، چاپ نخست،



۱۳۸۱

۱۸. قاری سید فاطمی، سید محمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر؛ جلد نخست، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

۱۹. قربانزاده، حسین؛ حفظ حقوق شهروندی در پرتو اصول حاکم بر دادرسی منصفانه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵.

۲۰. قربانی، علی؛ بررسی رویه قضائی دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه؛ پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

۲۱. کیهانلو، فاطمه؛ نگاهی اجمالی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و اسناد مکمل آن؛ در: حقوق بشر و چشم‌اندازها، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

۲۲. گلدوست جویباری، رجب؛ جزوه آئین دادرسی کیفری (۱)؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

۲۳. گلشن پژوه، محمودرضا؛ سازمان‌های غیردولتی؛ ابزارهای کارآمد ارتقای حقوق بشر؛ در: حقوق بشر و چشم‌اندازها؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۲.

۲۴. محمدی نسل، غلامرضا؛ مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری؛ انتشارات دادگستر؛ چاپ نخست، ۱۳۸۵.

۲۵. محمودی جانکی، فیروز؛ حق دفاع متهم؛ در: علوم جنائی (گزیده مقالات آموزش برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر)، انتشارات سلسبیل، چاپ نخست، ۱۳۸۴.

۲۶. مسعودی مقام، اسدالله؛ مطالبه تطبیقی حقوق متهم در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.

۲۷. موثق، آناهیتا؛ حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۰.

۲۸. هاشمی، سیدمحمد؛ بررسی مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه قانون اساسی جمهوری

اسلامی؛ در: حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات دانشگاه تهران،  
چاپ نخست، ۱۳۸۳.

۲۹. هاشمی، سیدمحمد؛ حمایت‌ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام  
بین‌المللی؛ مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.

30. Lawyers Committee for Human Rights, what is Fair Trial?, New York,  
2000.

